

زن جوان از پرستاری خسته شد و درخواست طلاق داد

جدایی قلبی به خاطر بیماری قلبی

سیما فراهانی
تپش

بیماری قلبی پارسا پای او را به دادگاه خانواده تهران باز کرد. همسر این مرد که از بیماری شوهرش خسته شده بود تصمیم گرفت به زندگی مشترکش برای همیشه پایان دهد. او که طی دو سال زندگی مشترک مرتب از شوهرش پرستاری کرده بود دیگر نتوانست طاقت بیاورد و خواستار طلاق شد.

مرد جوان وقتی در مقابل قاضی دادگاه خانواده تهران قرار گرفت درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: دو سال پیش بود که با نیلوفر ازدواج کردم. در این مدت فهمیدم که در انتخابم به‌شدت اشتباه کرده‌ام. نیلوفر زن خودخواه و بی‌معرفتی است. به خاطر این‌که بیماری قلبی دارم مرتب سرم غر می‌زند و برای درمان کمکم نمی‌کند. هر بار حالم بد می‌شود، جوری رفتار می‌کند که از خودم بیزار می‌شوم. همیشه استرس دارم که مبادا دوباره حالم بد شود و مجبور شوم در بیمارستان بستری شوم. آن وقت است که غر زدن‌های نیلوفر شروع می‌شود. در این مدت که با او زندگی می‌کنم، آنقدر از این رفتارها از خودش نشان داده است که کم کم از هم فاصله گرفتیم. دیگر هیچ علاقه‌ای بین ما نمانده. من و نیلوفر عاشق هم بودیم. البته فکر می‌کردم که او هم عاشق من است. با هم در محل کار من آشنا شدیم. من کارمند بانک هستم و نیلوفر هم مشتری بود. در رفت و آمدهایش به بانک عاشقش شدم و بعد از آشنایی تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. ولی نمی‌دانستم او تا این اندازه خودخواه است. در زندگی مشترک تازه متوجه این موضوع شدم. وقتی نتوانست بیماری مرا تحمل کند و مرتب سرم غر زد و تحقیرم کرد، فهمیدم آینده‌ای با او نخواهم داشت. در این مدت دو سال آنقدر عذابم داد که دیگر علاقه‌ای به او در من وجود ندارد. نیلوفر تمام مسائل زندگی مشترک‌مان را رها کرد و فقط به بیماری من توجه کرد. به خاطر بیماری‌ام شدم بدترین مرد روی زمین؛ برای همین دیگر نمی‌خواهم در کنار این زن زندگی کنم. من بیماری قلبی دارم و رفتارهای این زن حال مرا بدتر می‌کند. می‌ترسم دچار حمله قلبی شدیدی شوم. برای همین می‌خواهم زندگی آرامی داشته باشم.

در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی دو سال است که ازدواج کرده‌ام ولی در این مدت حتی یک روز خوش هم ندیدم. تمام آرزوهایم در زندگی با پارسا بر باد رفت. او بیماری قلبی داشت و این را از من پنهان کرد. با این حال وقتی موضوع را متوجه شدم اعتراضی نکردم. اما پارسا مرتب مریض می‌شود و مجبوریم در بیمارستان بستری‌اش کنیم. خسته شدم از بس از او پرستاری کردم. در این مدت من هم دچار افسردگی شدم و از این‌که از بس در بیمارستان‌ها ماندم خسته‌ام. شوهرم به جای این‌که مرا درک کند و قدردان من باشد، فقط سرم غر زد و دعوا به‌راه انداخت. توقع‌های بیجا از من دارد. من هم آدمم و تحملم حدی دارد. بالاخره من هم خسته می‌شوم و شوهرم باید این موضوع را درک کند. ولی او هم حال مرا درک نکرد. در عوض از من دورتر شد و فاصله گرفت. همین فاصله باعث شد من هم دیگر به او علاقه‌ای نداشته باشم. در این مدت سعی کردم کنارش باشم و از او به‌خوبی پرستاری کنم، اما حق دارم که یک جاهایی خسته شوم و غر بزنم. ولی او اوضاع را بدتر کرد و در نهایت تصمیم گرفتم از شوهرم برای همیشه جدا شوم.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند ولی وقتی اصرار آنها را دید رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

پیش از ازدواج به تناسبات توجه کنید

سارا شقاقی، روان‌شناس در این باره می‌گوید: برخی از دلایل طلاق در ظاهر بی اهمیت جلوه می‌کنند، اما در باطن دلیل و انگیزه‌های دیگری دارد. درواقع وقتی جدایی با دلایل ساده اتفاق می‌افتد، باید به ریشه اختلافات بین زوج‌ها توجه کرد. دلایلی چون عدم تناسب و ویژگی‌های فردی و حتی عدم تناسب فیزیکی، باور و عقاید مذهبی و بافت فرهنگی و محیطی. این عدم تناسبات می‌تواند مشکلات و اختلافات زیادی را در زندگی مشترک به وجود آورد. مشکلاتی که باعث ایجاد فاصله و دوری زوج از هم می‌شود.

در نهایت نیز به تلنگری، طلاق و جدایی رخ خواهد داد. از طرف دیگر مشکلات و اختلافات دو فرد با هم به عدم بلوغ عاطفی و فکری و هویتی نیز برمی‌گردد. عدم پذیرش مسؤولیت و برآورده نکردن خواسته‌های همدیگر، زوج‌ها را از هم دور کرده و پدیده‌ای به اسم طلاق را به وجود می‌آورد. برای همین بهتر است، زوج‌ها پیش از ازدواج به تناسبات و اشتراکات همدیگر توجه بیشتری داشته باشند و پیش از ازدواج نیز مهارت‌های زندگی را آموزش ببینند تا با بلوغ فکری بیشتری زندگی مشترک خود را آغاز کنند. در زندگی مشترک هم باید گذشت داشته باشند و بدانند بعد از ازدواج شریکی برای زندگی خود انتخاب می‌کنند که در خوشی و ناخوشی‌های زندگی باید کنار هم باشند. زوج هایی موفق و خوشبخت هستند که بتوانند در برابر مشکلات کنار شریک زندگی خود باشند.

زوج‌ها پیش از ازدواج به تناسبات و اشتراکات همدیگر توجه بیشتری داشته باشند و پیش از ازدواج نیز مهارت‌های زندگی را آموزش ببینند تا با بلوغ فکری بیشتری زندگی مشترک خود را آغاز کنند

هیجانش چقدر است. البته این را هم بگویم اگر می‌خواستم از ایران این موتورها را بخرم بیش از یک میلیارد تومان برایم هزینه می‌شد.

با توجه به ممنوع بودن این موتورها باید تعدادش هم کم باشد؟

بله در کل ایران فکر نمی‌کنم ده موتور از این مدل و نوع وجود داشته باشد.

موتورهایی که ترددش غیرمجاز است به چه دردی می‌خورد؟

برای مسابقات. شرط‌بندی. عبور از کویر و جاهای صعب‌العبور. این طوری بگویم که وسیله همیشگی و دم‌دستی‌مان که نیست. یک وقت‌هایی می‌شود از آن استفاده کرد. برای ما که وضع مالی خوبی داریم داشتن این موتورها یک جور کلاس هم محسوب می‌شود. به هر حال باید کلکسیون وسایل نقلیه‌ات کامل باشد.

اگر بخواهی که این موتورها را در تهران به صورت کامل بخری کجا باید رفت؟

فقط باید آشنا داشته باشی. گفتم این موتورها خرید و فروش ندارد. معمولا هر کسی که این موتورها را وارد کشور می‌کند برای استفاده شخصی خودش می‌آورد. نه این‌که بخواهد آن را بفروشد. به همین دلیل اگر آگهی فروش این موتورها را جایی دیدید باید بگویم که سراغش نروید چون ماجرا کلاهبرداری است و این موتورها آگهی فروش ندارد. به شما گفتم هر کسی توانایی مالی خرید این موتورها را ندارد آنهایی هم که دارند این موتورها را نمی‌خرند که بفروشند. در گوشه‌ای از پارکینگ خانه‌شان در کنار خودروهای دیگر می‌گذارند.

